



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۰۹

محمد آصف ایوبی

مراسم رونمایی از کتاب توسعه سیاسی در افغانستان

بهنام خداوند جان و خرد

مرکز مطالعات توسعه افغانستان با همکاری پوهنتون افغانستان ۵ عصر یکشنبه، نشست رونمایی از کتاب توسعه سیاسی در افغانستان را برگزار کرد.

در آغاز برنامه جناب دوکتور هاشمی رئیس مرکز مطالعات توسعه افغانستان ضمن سپاس و قدردانی از تشریف آوری مهمانان عزیز به اراد سخن پرداخت: آنچه که در مرکز مطالعات توسعه افغانستان هدف اساسی و بنیادی است تولید ادبیات بومی در بحث توسعه در افغانستان است. ما همواره در طول یک صد سال آخر با چلنج جدی در خصوص توسعه در این سرزمین مواجه بوده ایم و همچنان این چلنج جدی وجود دارد. چطور ما می توانیم در این کشوری که در طول یک قرن درگیر چنین مفهوم پایه بوده است، هنوز به آن ثبات و در واقع تثبیت مفهوم توسعه نرسیده ایم. چلنج های که وجود داشته است، عناصر و عوامل که باعث شده است که ما به چنین موفقیت در فرهنگ توسعه دست پیدا نکنیم؛ هدف اساسی مرکز مطالعات توسعه افغانستان است. کتاب که امروز تحت عنوان توسعه سیاسی در افغانستان اثر داکتر صاحب تمنا رونمایی می شود، می تواند در قالب همان ستراتیژی که ما تعقیب می کنیم یعنی تولید ادبیات بومی توسعه در افغانستان کمک کرده باشد و نحوه بررسی چنین آثاری طبیعتاً در دیدگاه که ما دنبال می کنیم نقش اساسی را ایفا می کند. نکته بعدی که در دیدگاه ما مطرح است و امروز در واقع سنگ بنا آن گذاشته می شود ارتباط به این می گیرد که در طول بیست سال گذشته هم همواره کمک های فراوان در افغانستان اتفاق افتاده است ولی باز هم بحث توسعه در افغانستان تبدیل به یک پروسه تثبیت شده نبوده است. بنا در این چارچوکات ما امروز فرصت که فراهم شده است و مهمانان گرامی که تشریف فرما شدند، مراسم این کتاب را داریم و در عین زمان جلسه نقد و بررسی کتاب برگزار می شود. ما امیدوار هستیم اقداماتی را که انجام می دهیم نهایتاً در دراز مدت تبدیل شود به یک پروسه تثبیت شده که مرکز سنگ بنای تولید ادبیات بومی توسعه در افغانستان را فراهم کند و در این عرصه ما از همکاری تمام فریختگان، قلم بدستان و کسانی که عرصه توسعه افغانستان دغدغه دارند خواهشمند هستیم که در این راستا با ما همکاری کنند و ما تلاش داریم همان بستر مناسب را برای شما فراهم بسازیم و نخبگان زیادی در این جامعه وجود دارد که هم فکر ما هستند، ما امیدوار هستیم که در طول این همین مدت بتوانیم برای نسل بعد از خود ادبیات بومی توسعه ایجاد کرده باشیم و الگوی مشخصی از توسعه در افغانستان مطرح نماییم.

در بخش دوم این برنامه جناب محمود سیقل نماینده پیشین افغانستان در سازمان ملل متحد ضمن قدردانی از مرکز مطالعات توسعه افغانستان و همچنان سپاس و قدردانی از داکتر صاحب فرامز تمنا رئیس پوهنتون افغانستان، داکتر صاحب بلخی وزیر پیشین معارف و حضور مهمان را در این برنامه خیر مقدم گفتند. در نشر کتاب را به داکتر صاحب تمنا به خانواده علم و معرفت کشور تبریک گفته و همچنان گشایش مرکز مطالعات توسعه افغانستان را به جناب داکتر صاحب هاشمی و همکاران شان و همه توسعه طلبان کشور مبارک گفتند. یک اقدام فوق العاده نیک است، امیدوار هستیم که حیات توسعه مملکت مفید تمام شود. در باره کتاب باید بگویم که از جمله ویژگی های خوب و تاثیر گذار علمی به چند مساله اشاره نمایم:

۱ - موضوع بحث کتاب می باشد. امروز موضوع بحث ما توسعه سیاسی افغانستان است. از روزی که سیاست مطرح بوده است توسعه سیاسی نیز مطرح بوده است. ما به شکل علمی از عصر روشنگری از قرن ۱۸ به این طرف زیادتر این مفهوم مورد بحث قرار داشته است. موضوع این کتاب هم بسیار در شرایط حساس امروزی کشور ما است، مخصوصاً جریانات ۱۹ سال گذشته. در حال حاضر که در جریان پروسه صلح قرار داریم یکی از اساسی ترین ضعف های حکومت همین توسعه سیاسی می باشد. اگر چه به هدف کتاب هدف توسعه سیاسی گسترش مشارکت و رقابت گروه های اجتماعی و زندگی سیاسی است. ولی نباید فراموش کرد که در نهایت خوشبختی و افسردگی انسان ها معطوف است. از دید خوشبختی و افسردگی انسان ها کتاب های هم به نشر رسیده و مشکلات دموکراسی امروزی را شرح داده است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

۲ - ساختار کتاب از دیگر ویژگی های است. جناب سیقل فهرست کتاب را یکی از اساسات و تاثیر گذاری آن را به مخاطب می داند. و همچنان در ادامه به این پرداختند که کتاب توسعه افغانستان یک پیشگفتار دارد که در این جا نکات اساسی را مطرح کرده اند. نویسنده شرح راه دشوار توسعه کشور را و این که هویت های اصلی چه باشند و بعد از آن دو بخش بسیار مهم است. بخش اول زیادتز به مسایل معرفت شناسی توسعه سیاسی است و در این جا نیز اول مفهوم و معنا توسعه سیاسی بحث شده است و بعد هم جایگاه افغانستان از دید توسعه در جهان و مفاهیم اساسی در توسعه سیاسی افغانستان نیز بحث شده است. بخش دوم کتاب پوهش های توسعه سیاسی است، مسایل داغ در رابطه به توسعه سیاسی در کشور از جمله نقش زنان به شکل بسیار مفصل بحث شده است، مسایل جوانان و چلنج های که پیش رو دارند، نخبگاه علمی تعبیر روایت توسعه علمی که البته از این نکته به بعد مسایل نخبگان علمی و دموکراسی و انتخابات و اصلاحات اداری و فساد زدایی و در آخر هم سیاست مدرن به چشم انداز توسعه سیاسی به شکل مصاحبه ها مطرح شده است که جناب تمنا با مطبوعات داشته است.

۳ - فهرست منابع و ماخذ در یک اثر از اهمیت زیادی برخوردار است. که در این کتاب یک ویژگی خوب دیگر این است که تنوع در فهرست مطالب دیده می شود و تنوع بسیار مهم است یک نویسنده از دیدگاه مختلف موضوع را بالایش بحث مینماید. دو کتاب دوست داشتی که من آروز داشتم در این فهرست ببینم، که البته یکی از آن ها که تا اندازه از آن نقل و قول شده است (توسعه سیاسی) و یک دیگرش که تا اندازه زیادتز از آن استفاده نشده است. (توسعه)

روی همرفته می توان گفت یک تسلسل خوب و ارتباط منطقی بین موضوعات مورد بحث وجود دارد. مطلب دیگری که جناب سیقل به آن پرداختند این بود که از صحت مطالب علمی خوب کتاب یاد آوری نمودند. از خوبی دیگر این کتاب این بود که همان ادعا که نویسنده در آغاز کتاب مطرح کرده است در انتهای کتاب تا اندازه زیادی به آن رسیده است. ادعای که مطرح شده است پاسخ های هم به آن مطرح شده است. در رابطه با تعریف بومی توسعه سیاسی در افغانستان که یک کار آسان نیست به دلیل این که جریانات چند سال گذشته وضع افغانستان را حالاتی قرار داده است که شاید بعضی از این حالات بی سابقه در تاریخ افغانستان بوده است. البته باید یاد آور شوم که کتاب تلاش کرده است که تعریف بومی ارابه کند که بیشتر تمرکز آن بالای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در پیشبرد مسایل فردی و اجتماعی است که شاید در جامعه ما کافی نباشد و من امیدوار هستم که بالای تعریف توسعه سیاسی برای افغانستان زیادتز تلاش صورت گیرد.

۴ - یکی دیگر از ویژگی خوب این کتاب استفاده از شاخص های توسعه بشری پروگرام توسعه ملل متحد است. در کتاب تلاش شده است که کشورها از نگاه توسعه تقسیم شوند. یک اصطلاحی بکار برده شده است که بنام کشور های توسعه ناپذیر است که این مفهوم برای من نا آشنا است. در بخش دیگر این کتاب به توسعه اقتصادی با نادیده گرفتن توسعه سیاسی خلا بزرگ بی اعتمادی را میان مردم و نظام ایجاد می کند که البته در این کتاب خوب مطرح شده است و زیادتز گفته شده است که اعتماد یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است که این را باید جدی درک کرد. در کتاب گفته شده که مشکل در درک خاص و مزیق افغان ها از دموکراسی به عنوان بزرگترین مانع فرا روی نهادینه سازی دموکراسی است که من تا اندازه به این موافق نیستم، من فکر می کنم که مشکل در قدم اول سازماندهی تقلب توسط یک مشت فاسد، قدرت طلب و متعصب است. در ۱۰ سال گذشته ما سه بار تقلب های سازمان یافته را دیدیم و سه بار حتا چاره جویی و مدارا برای مشکلات ناشی از این تقلبات به تمسخر گرفته شده است. در رابطه به توانمند سازی زنان و جوانان جای شک نیست که یک شاخصه مهم توسعه توانمند سازی زنان و جوانان است و بحث های بسیار خوب و شیرین در این کتاب صورت گرفته است.

۵ - در کتاب برای دولت گفته شده است که چه کند؟ ولی خوب است که گفته می شد که چه نکند. استخدام عناصر فاسد مشکلات زیادی را در توسعه سیاسی افغانستان به بار آورده است و همچنان مشکلات عظیمی را در کل افغانستان و جهان فراهم کرده است و همه روزه ما و شما یک داستان فساد مسولین درجه کشور در مطبوعات جهان مشاهده می کنیم.

۶ - در رابطه با سرمایه گزاری بالای آموزش جای شک نیست که منشا بسیاری از مشکلات را می توان با توجه به نهاد های آموزشی از بین برد. در طول حیات معاصر افغانستان که دوصد و هفتاد و سه سال از آن گذشته است، من فکر می کنم که غفلت طولانی در عرصه معارف و صحت صورت گرفته است و یکی از علت های اساسی ضعف توسعه سیاسی و اقتصادی افغانستان همین غفلت طولانی بوده است. من فکر می کنم که بازی های سیاسی به ترور شخصیت های تحصیل کرده ما انجامیده است که هزاران تحصیل کرده و چیز فهم ما امروزه از دولت رضایت ندارند و علاقه ندارند که بخشی از دولت باشند. بیشتر دل من به عناصر کارفهم، صادق و وطن دوستی میسوزد که خود را در دفاتر و دواپر دولتی برای امرار معاش گرفتار هستند. من یقین دارم که اگر امرار معاش نمی بود یک تعدا عظیمی از این چیز فهم ها دولت را ترک می کردند. در رابطه به آموزش یک مسله دیگر که قابل مطرح است تربیه کودک است که امیدوارم که این مسله چاپ و نشر های بعدی در نظر گرفته شود. توسعه سیاسی از تربیه

کودک از همان روز اول شروع می‌شود. کودک دارای حقوق خود است که متأسفانه در افغانستان کمتر به آن توجه می‌شود.

۷ - در رابطه با هویت در جای مطرح شده است که افراط‌گرایی و تروریسم فعلی سیاسی نیست بلکه به شدت هویتی است. سوالی که برای من خلق شده است این است که جنگ نیابتی بحران یعنی چه؟ در کتاب بیشتر برای طالبان یک وجود مستقل داده شده است و نقش پاکستان و بازی های منطقه ای و جهانی تا یک اندازه ای کم‌رنگ است. در رابطه با بافت طبیعی و اجتماعی و هویت سفید، چیزی که در فکر من گشت و مخصوصاً زمانی که از نیورک به کابل آمدم، پس از سه الی چهار سال دیدم که بافت اجتماعی افغانستان سخت صدمه دیده است.

۸ - من همراه شما موافق هستم که هر قدر میزان بازیگران در یک پروسه صلح زیاد باشد، کشمکش‌ها و درگیری‌ها زیادتر می‌باشد. و از طرف دیگر یک خط حساس وجود دارد بین ارزش‌ها و بین سیاست واقعی که تا چه اندازه باید به آن تمرکز کنیم. از طرفی هم چیزی که مهم است در راس یک پروسه صلح مهم و حیاتی باید بهترین‌ها و موفق‌ترین‌ها را کشور باید گزینش شوند.

۹ - در قسمت اصلاحات اداری کمبود ظرفیت درست ولی کسانی محدودی هم وجود داشتند که از وظایف بلند دولت بسیار آگاهانه استعفا دادند. من با کتاب موافق هستم که تعامل میان کمیسیون اصلاحات اداری و نهاد های تحصیلی باید زیادتر باشد و افراد باید براساس نیازمندی های توسعه تربیه شوند.

در خاتمه دو پیشنهاد به جناب شما دارم که اگر تصمیم داشتند کتاب را دوباره نشر کنند پیشنهاد اول: بحث قانون پذیری (کارکردن با قلم با کاغذ با برنامه و ستراتیژی و تیم ... چرا این بحث در افغانستان ضعیف مانده است).

پیشنهاد دوم: نظام متمرکز و غیر متمرکز (که بخشی از بحث های توسعه سیاسی است)
در بخش سوم برنامه جناب داکتر میرویس بلخی وزیر پیشین معارف کشور به ایراد سخنان پرداختند. ضمن سپاس و قدردانی از تشریف آوری مهمانان و برگزار کننده گان برنامه فرمودند و همچنان تبریک و تهنیت برای داکتر صاحب شما بخاطر چاپ و نشر کتاب توسعه سیاسی در افغانستان. جناب بلخی کتاب توسعه سیاسی در افغانستان را یکی از ضروریات در شرایط فعلی کشور دانسته و واقعیت را بر آن داشتند که در حوزه ادبیات توسعه در افغانستان آثار کمتر وجود دارد. این کتاب را یک غنیمت بسیار بزرگ است برای همه کسانی که چه در سطح تصمیم‌گیری های سیاسی مصروف هستند و چه کسانی که در حوزه های آکادمیک مصروف کار در عرصه توسعه سیاسی هستند. کتاب نقاط بسیار مثبت دارد که من متمرکز به کتاب روی این قوت‌ها اشاره می‌کنم.

۱ - قوت اول در این کتاب صحبت در حوزه توسعه سیاسی است که در این کتاب صحبت از مصداق های شده است که ما در افغانستان بصورت روز مره با او مواجه هستیم، تجربه می‌کنیم و با گوشت و پوست لمس می‌کنیم و این در واقع در قالب کتاب آماده است که این خودش یک قوت است و در شرایط نبود این آثار در این حوزه، این کتاب می‌تواند کمک کند برای کسانی که دوست دارند مطالعات بومی توسعه سیاسی را داشته باشند.

۲ - قوت دوم این کتاب را می‌توان به نثر آن اختصاص داد که جناب داکتر صاحب شما در این حوزه توانایی منحصر به فرد خود را دارد و در صحبت های زیادی هم که ما باهم داشتیم، همیشه صحبت از دکتور صریح القلم می‌کردند. هر چند من با نثر های رایج در ایران آشنایی زیادی ندارم ولی از دوستان بسیار خویم که در دوره پوهنتون با من همصنفی بودند از دکتور صریح القلم بارها یاد می‌کردند به عنوان یکی از سبک های بسیار شیوا و خوب نثرنگاری در حوزه کتاب های علوم اجتماعی در ایران. من نثرهای آقای شما را در کتاب سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری های منطقه و آثار دیگر شان مشاهده کردم. اما در بعضی از جاها احتمالاً بخاطر مصاحبه که بوده است بعضی از کلمات نامانوس مثل کانتکس بارها استفاده شده است که نثر سبک داکتر شما را اندکی خدشته دار ساخته است امیدوار هستم که در چاپ های بعدی در این قسمت توجه شود.

۳ - قوت دیگر که می‌توان از آن یاد کنم بیان روشن از مفاهیم توسعه سیاسی است که در این کتاب کنجانیده شده است. زمانی که صحبت از توسعه سیاسی می‌شود بسیار از مفاهیم و موضوعاتی که در این حوزه صحبت شده است. در حوزه علاقمندان توسعه در افغانستان و در حوزه بین المللی نسبت به این مفاهیم نا آشنایی وجود دارد. شناخت این مفاهیم گاهی اوقات براساس رشته علمی که دارد ممکن که مودر قضاوت واقع شود.

۴ - آقای شما جایگاه افغانستان را به لحاظ توسعه سیاسی یا در چارچوب توسعه جز کشورهای جهان پنجم به حساب آورده است. این موضوع برای من سوال برانگیز بود چون که شناخت جهان به لحاظ ابعاد مختلف توسعه ما سه تا جهان داشتیم و جهان چهارمی هم در بعضی اوقات از کتاب ها نسبت به او اشاره شده است. جهان پنجم چیزی بود که من در این کتاب یافتم و شاخص های جهان پنجمی هم در کتاب اشاره شده است. یکی از آن مفاهیمی بود که برایم جالب بود. در عین زمان در تقسیم بندی کشورها، تقسیم بندی هفت گانه از کشورها صورت گرفته است.

۵ - قوت دیگر این کتاب طرح سوال است به این معنا که از نظر من ادعا نویسنده هم همین است که بجای از این که به همه جزییات توسعه نیافتگی سیاسی افغانستان بپردازد. در این کتاب آمده نسبت به بعضی از پدیده های سیاسی و رفتار سیاسی سوالات را مطرح کرده است که قضاوت و تحقیق را به دوش خواننده می‌گذارد.

۶ - از قوت دیگر این کتاب می توان از برای تصمیم گیران سیاسی این اثر را مفید دانست و همچنان برای محصلان در پوهنتون ها هم یک کتاب مفید می تواند باشد. همزمان که یک کتاب علمی، تحقیقی و تحلیلی است در عین زمان یک کتاب خوب درسی هم برای محصلان است و همچنان این کتاب برای کسانی که در عرصه های توسعه علاقمندی دارند و میخواهند در این حوزه از ابتدایی ترین مفاهیم توسعه سیاسی گرفته تا مسایل کلان پیچیده و تحلیلی می توانند از این کتاب مستفید شوند. در عین زمان کاربرد این کتاب یکی از قوت های مهم آن است چون این کتاب تنها یک کتاب نیست که در آن کلمات انتزاعی بازی شده باشد و با مفاهیم بازی کند و بعضی مدل ها و نظریه ها را بحث کند بلکه عینیت های توسعه نیافتگی سیاسی افغانستان را به عنوان مسئله تعیین کرده و بعد برای هر کدام شان راه حل ارائه شده است. بدون شک می توان گفت که همانگونه که یک اصل علمی و شناخته شده در حوزه علمی وجود دارد. این است که هیچ کتابی کامل نیست و هر کتابی را حتی خود نویسنده بعد از یک مدت کوتاهی دوباره مرور کند متوجه می شود که باید بیشتر و بیشتر روی کمی ها و کاستی آن کار کند به همان دلیل بعضی از نقاط قابل توجهی هم در این کتاب وجود دارد که من خدمت داکتر صاحب تمنا اشاره می کنم تا در چاپ های آینده نسبت به او مسایل توجه نمایند. بحث اول: عنوان کتاب است که از نظر من یک عنوان بسیار کلان و بسیار عمومی است با توجه به بخش های که من در داخل کتاب دیدم که در حوزه های چهارگانه کتاب توسعه سیاسی که بسیاری از مسایل دیگر توسعه نیافتگی سیاسی که باز هم در افغانستان نسبت به او ضرورت است. اگر عنوان کتاب کمی تخصصی تر و متمرکز تر باشد کمک می کند به مخاطب که چه چیزی را می توانم از کتاب بیاموزم و از آن در امورات توسعه استفاده نمایم.

بحث دوم: فصل اول کتاب که افغانستان و راه دشوار توسعه سیاسی است، فصل بسیار مهم و در واقع مخاطب اصلی خواننده است که می تواند ادعای نویسنده و هم روش که به آن پرداخته است و هم نتایج که نویسنده نسبت به او انتظار دارد. این فصل زیر چهار فصل فرعی کار شده است که عنوان های فرعی هم بسیار خوب انتخاب شده است. اما بسیار زود گذر و گذرا نسبت به هر فصل بعدی عبور شده است که شاید یک اندازه ای سبک شاعرانه را به خود می گیرد به این معنی که شما مباحث بسیاری را در ذهن داشتید و دوست داشتید که در اینجا بیان نمایید اما بیان نشده است زمانی که من به عنوان مخاطب کتاب را مطالعه نمود بسیاری از مسایل برایم مبهم و گنگ باقی مانده است.

آخرین پیشنهاد من خدمت داکتر تمنا این است که کتاب به دو بخش اساسی تعریف توسعه سیاسی به لحاظ دانشمندان توسعه و مدل های توسعه سیاسی است و بعد عینیت های افغانستان است. از دیدگاه روش شناسی مطالعات منطقه در روابط بین الملل و تا جای که من نسبت به آن علاقمند هستم، یک جماعتی از دانشمندان را در منطقه به این باور هستند که جدا از چارچوب های کلان نظری باید عینیت های واقعی را روی هم گذاشته و تحلیل کنید و بعد تعریفی از خود را ارائه نمایید. در این کتاب آنچه را که من متوجه شده ام فصل اول با تمام فصل های بعدی که مطالعات موردی از مسایل افغانستان را است، یک مقدار بی ارتباط است. اگر شما به این روش پیش میرفتید که و این که کتاب تکمیل می شد و استفاده از فصل های که در حوزه جوانان و زنان و بخش های مختلف، در آخر کتاب فصل اول را قرار میدادید که بدون ارجاع به مدل های کلان توسعه و یا دانشمندان مطالعات توسعه، خودتان برداشتی از توسعه سیاسی را مبتنی بر عینیت ها و واقعیت های افغانستان بیرون می ساختید که این یک کار بسیار عالی و در عین زمانی که همه بخش های کتاب بومی میشد، شناخت و برداشت ما از توسعه سیاسی هم مبتنی بر یک دانشمند و نویسنده افغان میشد که او علاقمند است تا بر اساس مطالعه که انجام داده است توسعه سیاسی را از افغانستان به منطقه و جهان معرفی کند.

در بخش پایانی برنامه جناب داکتر فرامرز تمنا رئیس پوهنتون افغانستان و نویسنده کتاب توسعه سیاسی در افغانستان ضمن سپاس و قدرانی از مرکز مطالعات توسعه افغانستان و دوست و برادر گرامی ام جناب دوکتور فردین هاشمی رئیس مرکز مطالعات توسعه افغانستان و تبریکی به خاطر تاسس این مرکز خوب. عرض احترام و ارادت خود را به حضور مهمانان و فریختگان علم و دانش تقدیم نمودند و از جناب سیکل صاحب و جناب بلخی صاحب سپاس و امتنان نموده که با ظرافت و با دقت که از ویژگی علم و روش شناسی علمی است، کتاب را مورد مطالعه قرار دادند و پیشنهادات خوبی را ارائه کردند.

جناب داکتر تمنا در ابتدا در مورد کتاب به ایراد سخن پرداخته، چنین فرمودند که هر کتاب با توجه به زحمت که نویسنده آن متقبل می شود، به عنوان یک فرزند معنوی انسان است من اگر مجموعه کتاب های خود در یک پله ترازو بگذارم و توسعه سیاسی را در یک پله دیگر من فکر می کنم باز هم در طرف توسعه سیاسی ظلم کرده ام و این کتابی است که بسیار رویش کار کردم و حد اقل ۱۰ سال است که دغدغه من نوشته این کتاب بوده است. اگر هر کتاب برای نویسنده یک فرزند باشد، توسعه سیاسی افغانستان دختر من است. به همین دلیل هم عکس روی جلد کتاب یک زن افغان است که با چادری رای میدهد. یک روز یکی از دوستانم پرسان کرد که این عکس با توسعه سیاسی تناقض دارد؟ من در پاسخ به دوست خود گفتم که انتخاب این عکس بعد از ماه ها مشورت با خود و کسانی در این راستا با من همکاری بودند، انتخاب شده است و تشکر می کنم از جناب آقای عصمت الله احراری گرافیکست برجسته افغانستان که طرح روی جلد این اثر را متقبل شدند. از جناب دوکتور مهدی عارفی که کتاب را با ظرافت و دقت

ادبی ویرایش کردند و از پوهنتون افغانستان تشکری می‌کنم که این کتاب را چاپ نمودند. این کتاب، یک کتاب کاملاً وطنی است و همه چیزیش ساخته افغانستان است.

مشارکت سیاسی خودش یک بخشی از توسعه سیاسی افغانستان است. زنی رای میدهد با چادر برقه که پیوند میان سنت و تجدد در افغانستان است. که این زن با این چادر می‌تواند یک کنشگر به دموکراسی باشد. این زن به آینده چشم دوخته است، این زن آمده است تا انتخاب کند و دموکراسی از افغانستان را قوام ببخشد. من در این کتاب پیوند میان انسان و کشور را به سه بخش تقسیم نموده‌ام. گفتم بعضی‌ها باشند هستند، بعضی‌ها تبعه هستند و بعضی‌ها شهروند هستند. باشند کسی است که در روی زمین راه میرود هیچ عرق به خاک ندارد و برنامه‌ای هم توسعه خود ندارد. تبعه کسی است که بریک خاک راه میرود تذکره او نماد هویت اوست اما باز هم برنامه‌ای برای پیشرفت خاک خود ندارد. اما ما نوع بالغ این مسئله را شهروند داریم که هم تعلق به خاک دارد و هم برنامه دارد برای ساختن کشور خود، هرچقدر انسان کشور خود را دوست داشته باشد اما برنامه برای توسعه آن نداشته باشد و برای خودش نقش برای توسعه یافتگی کشور خود تعریف نکند، او شهروند گفته نمی‌شود. در روی جلد کتاب بحث اعتماد است، بحث مشروعیت است و این‌ها همه شاخص‌های توسعه سیاسی در افغانستان است. یعنی با خود جلد کتاب انسان می‌تواند محتوا و هدف کتاب و نویسنده را از توسعه سیاسی روبرو شود.

فرموده داکتر صاحب بلخی و جناب سیقل صاحب باید به عرض برسانم که خود نویسنده هم اگر کتاب خود را یک هفته بعد یا یک ماه بعد بخواند نکاتی دارد که حتماً باید به مسایل قبلی بیفزاید. لذا من از آنچه که هر دو بزرگوار فرمودند، آموختم و تشکر می‌کنم از وقتی که برای مطالعه کتاب گذاشتند.

من در صفحه ۵۴ کتاب یک شکلی را ترسیم کردم که این شکل نمایان‌گر مشکلات افغانستان می‌باشد. اگر ما تمام مشکلات افغانستان را داخلی یک غیف بریزیم و بعداً خواسته باشیم که حد اقل چهار مفهوم را از آن خارج کنیم از دید من گره تمام مشکلات همین است.

اول: جنگ و ناامنی

دوم: شکاف‌های شدید هویتی

سوم: سیاست خارجی ناپایدار و نا کارآمد و روز مره و سلیقه است

چهارم: بد برنامه‌گی یا بی برنامه‌گی برای توسعه

از نظر من این چهار مسئله اساسی علت اصلی عقب مانده‌گی افغانستان است. من به هر کدام از این‌ها یک کتاب نوشتم و دیدگاه‌های خود را به عنوان یک پژوهشگر سیاست خارجی و مسایل امنیتی با خوانندگان خود مطرح کردم و هدف من این بوده است تا یک روایت بومی از دانش و مسایل مرتبط به آن با امنیت، صلح و سیاست خارجی ارایه داشته باشم. پیوند میان سه مفهوم این که امنیت با توسعه سیاسی در افغانستان چه مسیری را داشته است، در قیاس بین آزادی و هویت ما به کدامش ارجعیت داده ایم، توسعه سیاسی و هویت را در افغانستان مطرح کرده‌ام و در این پروسه هویت یابی ما چه نگاهی به توسعه داشته ایم و سوم سیاست خارجی و توسعه سیاسی در افغانستان است.

من در صفحه ۴۹ کتاب یک مثال خیلی خوبی گفتم که ما در کجا هستیم و جهان را به تقسیم کردم که به جهان اول، جهان دوم، جهان سوم، جهان چهارم و جهان پنجم. من معتقدم که جهان اول بصورت متمرکز که این کشورها بزرگترین منابع قدرت، ثروت و دانش را جهان را در اختیار دارند که در کتاب به آمار به آن اشاره شده است. جهان اول شامل ایالات متحده آمریکا، جاپان و جرمنی شامل می‌شود. ایالات متحده آمریکا ششصد هشتاد سه هزار و سه متن علمی در سال ۲۰۱۸ تولید کرده است. آلمان یکصد هشتاد هزار ششصد هشت متن علمی را تولید کرده است و جاپان یکصد سی و یک هزار یکصد نود هشت متن علمی را در جهان تولید کرده است. در افغانستان در همی سال ۲۰۱۸ دوصد شصت و نه متن علمی تولید کردیم که از دوصد شصت و نه متن آن قابل ارجا بوده است و این همه در داخل کشور نشده است و آن‌های که در خارج از کشور بودند متن علمی تولید کرده اند.

جهان دوم کشورهای اروپای غربی مانند کانادا و استرالیا

جهان سوم چین و هند و ...

جهان چهارم ترکمنستان، ترکیه و قزاقستان

جهان پنجم افغانستان است. ما هیچگونه ارتباط با آن جهان معروف نداریم. به همین دلیل یکی از اهداف من در این کتاب تولید ادبیات جدید در باب مطالعات توسعه بوده است و به همین دلیل بعضی از مسایل که شما در کتاب می‌بینید که جدید است، باید جدید باشد. از خصوصیات کتاب خوب این است که باید در آن چیزهای نو گنجائیده شده باشد.

بحث کشورهای توسعه ناپذیر یکی دیگر از مفاهیم جدید در این کتاب می‌باشد. همه کشورها یا توسعه یافته هستند، یا عقب مانده هستند و یا در حال توسعه یافتن هستند. اما یک کتگوری هستند که این‌ها توسعه ناپذیر هستند. چرا توسعه ناپذیر هستند؟ کشورهای مانند غنا، سومالی و سودان، این‌ها چند ۱۰ سال باید بگذرد که پیشرفت کنند. فرض کنید که این کشورها بعد از ۳۰ سال پیشرفت کردند. جهان بعد ۳۰ سال به کجا خواهد بود. منظورم این است که شکاف که میان این کشورها و جهان وجود دارد، آنقدر این شکاف عمیق و طولانی است که این کشورها باز هم در

همان بخش کشورهای به شدت عقب مانده هستند. از دید من کشورهای توسعه ناپذیر کشورهای هستند که به هزینه و زمان خود به توسعه یافتگی نمی‌رسند، شهروندان این کشورها بسیار از توسعه دور هستند و ارزش سرمایه‌گذاری ندارند. کشور عقب مانده یا توسعه نیافته مانند افغانستان حد اقل پوتانسیل پیشرفت را دارد ما در صد سال گذشته حرکت ما به سمت توسعه ۳۳ بوده است، بالا آمده ایم باز پس سقوط کرده ایم اما از حرکت استاده نشده ایم و یک پویایی وجود داشته است. اما بعضی کشورها ایستا هستند و هیچ حرکتی نمی‌کنند.

در باره مبانی دموکراسی در صفحه ۵۱ چند مورد را گفتیم که این‌ها باعث ناکامی دموکراسی و انتخابات شده است. ناآگاهی رای دهندگان، تقلب انتخاباتی، مداخله حکومت، مداخله خارجی، دموکراسی نهادینه نشده و ضعف نهاد های انتخاباتی این‌ها از نظر من بزرگترین مسایل ناکامی دموکراسی در افغانستان است. چون در افغانستان درک از دموکراسی وجود نداشته است به همین دلیل دموکراسی در افغانستان زاده نشده است. این که در یک قریه یک نفر می‌رود در به خاطر ۵۰۰ افغانی رای میدهد. این دموکراسی نیست. دموکراسی با شعور ارتباط دارد. دست دموکرات با خردش وصل است. در افغانستان کسی که رای میدهد با جیبش وصل است. این آسیب جدی برای دموکراسی در افغانستان است.

در جای جناب سیفل صاحب گفتند که در کتاب آمده است که دولت که چه باید بکند. اما چه بهتر میبود که می‌گفتید دولت چه باید نکند. من حتما در چاپ بعدی خواهم گفت که دولت چه باید نکند.

در چاپ بعدی کتاب بحث کودک را حتما در نظر می‌گیرم، انتخابات از انتخاب کفش توسط یک طفل دوساله شروع می‌شود. زمانی که طفل خود را می‌بیریم به دوکان از میان کفش‌های که به اقتصاد ما می‌خورد و می‌فهمیم کیفیت خوب دارد. ۵ یا ۱۰ جوره را بگذارید پیش طفل خود و برایش بگویید که یک جوره از این بوت‌ها را برای خود خوش کن او از همان تاریخ یاد می‌گیرد که انتخاب کند. در هیچ کتاب معارف افغانستان و در هیچ متن درسی که از صنف اول تا پیش از لسانس دولت به آن متعهد است یک متن در مورد دموکراسی وجود ندارد.

ترورریسم فعلی از دید من هویتی است، سیاست با هویت آنقدر باهم در هم تنیده است که ما نمیتوانیم بگوییم که هویت خودش یک بحث سیاسی نیست. در جای بحث خود و دیگر به جود می‌آید، سیاست به میان می‌آید. و خود و دیگر بنیان هویت است. لذا ترورریسم نو هویتی است. اما به معنی امنیتی کلمه سیاسی نیست. وقتی داعشیان دور هم جمع می‌شوند از لیبایی کسی می‌آید، از قزاقستان هم کسی می‌آید و از افغانستان هم کسی می‌آید. همه این‌ها را یک ایدیولوژی دور هم جمع می‌کند.

بحث قانون‌پذیر و بحث نظام متمرکز و غیر متمرکز را هم در چاپ‌های بعدی اضافه خواهم کرد. من نظام متمرکز را نظام مناسب برای افغانستان میدانم. به لحاظ علمی نظام متمرکز به افغانستان بهتر است.

در پایان صحبت‌های خود جناب داکتر صاحب تمنا فرمودند که ما می‌توانیم ریاضی را از کشورهای خارجی بیآوریم، کمیا را می‌شود از کشورهای خارجی آورد، بیولوژی را می‌توانیم از کشورهای خارجی بیآوریم، اما در رشته علوم اجتماعی و به ویژه علم سیاست و روابط بین الملل باید دانش بومی تولید شود. این کتاب گامی است برای بومی سازی دانش مطالعات توسعه سیاسی در افغانستان. هدف این کتاب تدریس در پوهنتون‌های افغانستان است. صحبت‌های پایانی برنامه را جناب داکتر هاشمی به عنوان جمع بندی ایراد فرمودند. از آن جای که داکتر صاحب تمنا باور دارد به یک فضای آکادمیک و مرکز مطالعات توسعه افغانستان هم خارج از این فضای آکادمیک نیست و تضارب آرا و در واقع اختلاف نظر آکادمیک یک امر رایج است در مباحث علمی. عناصر اساسی و نکات مثبت در خصوص کتاب توسعه سیاسی در افغانستان را دوستان مطرح ساختند و موارد دیگری که داکتر صاحب تمنا در واقع جز محدود نوشته‌های است که در بحث توسعه سیاسی در افغانستان نوشته شده است. بدون شک می‌توان گفت که این یک اثر ارزشمند در حوزه توسعه سیاسی می‌باشد. من چند نکته کوتاه در این خصوص دارم.

کتاب در فصل اول چارچوب تیوریک را مطرح ساخته است در واقع از اندیشمندی که در قالب لیبرالیسم، مدرنیسم را مطرح ساختند. من به این باور هستم که نگاه چپ هم در خصوص توسعه سیاسی اندیشمندان کلانی دارد که می‌تواند در این کتاب از آن استفاده شود. یعنی تکامل بحث چارچوب تیوریک را به همراه داشته باشد. در عین زمان بحث اهداف توسعه هزاره که از طریق اجنسی‌های سازمان ملل متحد و در واقع کمک‌های بین المللی که به کشورهای عمدتا پسا جنگ و در حال توسعه مطرح است می‌تواند به عنوان یک چارچوب مناسب در بخش اول کتاب مطرح باشد که تکامل بحث تیوریک را به همراه داشته باشد. در عین زمان آنچه که در مرکز مطالعات توسعه افغانستان همواره مطرح بوده است. باید یک نگاه مدرن بومی را در افغانستان پیاده شود که بتواند به توسعه بی انجامد و این کتاب در بخش‌های به آن اشاره کرده است. به عنوان مثال صفحه ۶۴ نگاه شده است: معولا افغان‌ها در یک قرن گذشته خواهان توسعه بوده‌اند. اما همگی عامل و فایله تغییر توسعه در کشور نبوده‌اند، در افغانستان همانند دیگر کشورهای در حال توسعه هنوز مطالعه به عنوان یک راه ماندگار برای دست‌یابی به توسعه یافتگی نهادینه نشده است. باوری که ما در این مرکز داریم و در حال گذاردن سنگ بنای آن هستیم، توسعه به عنوان یک مفهوم مدرن باید در افغانستان بومی سازی شود. من امیدوارم هستم تلاش‌های که دوستان انجام میدهند و رونمایی که امروز از این کتاب صورت گرفت همان خشت‌های باشد که این دیوار توسعه و مسیر توسعه را برای ما بنیان

گذار د و در نهایت در پایان تشکر و قدردانی می کنم از تشریف تمام بزرگوارهای که در این محفل حضور به هم رساندند و علاقمندی مرکز مطالعات توسعه افغانستان به همکاری اکادمیک در خصوص بحث توسعه با کسانی که قلم بدست هستند، اندیشمند هستند یک راه همیشه گی است.

به امید افغانستان درخشان و توسعه یافته !

محمد آصف ایوبی
عضو انجمن عمومی و عضو هیئت مدیره مرکز مطالعات توسعه افغانستان